



## وعده خدا حق است

مسعود پیرهای

درمیان روایت های پرباهوی جهان معاصر، یک آیه، دقیق تر از هزار تحلیل، مسیر را روشن می کند. فرمولی ساده اما عمیق پیش روی ما می گذارد. ایمان، اگر بایستادگی همراه شود، به وعده ای ختم می شود که نشانه های آن در همین دنیا نیز قابل درک و تجربه است. «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا...» نه صرفا یک گزاره اعتقادی، بلکه یک نقشه راه تاریخی و اجتماعی است. آنچه این آیه بران تاکید می کند، فاصله میان گفتن و ماندن است. گفتن «ربنا الله» آسان است. اما آنچه مسیر را می سازد، «ثم استقاموا» است؛ همان ایستادگی ممتدی که در برابر فشار، تهدید، تحریم و جنگ، خود را نشان می دهد. در این منطق، وعده الهی نه به صرف ادعا، بلکه به نسبت پابندی محقق می شود. با این چارچوب، اگر به تجربه اخیر ایران در مواجهه با جنگ نگاه کنیم، تصویر روشن تری شود. جامعه ای که سال ها زیر فشارهای متراکم اقتصادی و بین المللی زیسته، در بزنگاه درگیری، نه فروپاشید و نه دچار اشتفگی فراگیر شد. این خود، نخستین نشانه از تحقق وعده است. آیه، پیش از هر پیروزی بیرونی، از برداشته شدن ترس و اندوه سخن می گوید. جامعه ای که در دل بحران، ثبات روانی و انسجام خود را حفظ می کند، در واقع وارد مرحله ای شده که قرآن از آن به «الا تخافوا ولا تحزنوا» تعبیر می کند.

در گام بعد، وعده از سطح آرامش درونی فراتر می رود و به ساحت واقعیت های بیرونی نزدیک می شود. در تحولات اخیر، نشانه هایی از تغییر محاسبات دشمن، افزایش قدرت بازدارندگی و تثبیت انسجام ملی قابل مشاهده است. اینها صرفا تحلیل های سیاسی نیستند، بلکه مصادیقی از همان «بشارت» اند؛ بشارتی که به تعبیر آیه، انسان آن را می چشد، نه اینکه فقط به آن باور داشته باشد. نکته مهم آن است که تحقق وعده، یک نقطه پایان نیست، بلکه یک مسیر است. استقامت، امری مقطعی نیست که با یک پیروزی به پایان برسد. همان گونه که فشارها مرحله به مرحله اعمال می شود، ایستادگی نیز باید تداوم داشته باشد تا ابعاد عمیق تر وعده آشکار شود. از این رو، آنچه امروز پیش روی ماست، نه یک جمع بندی نهایی، بلکه نشانه هایی از ورود به مرحله ای جدید است؛ مرحله ای که در آن، جامعه طعم بخشی از وعده را چشیده، اما برای تثبیت و تکمیل آن، نیازمند استمرار همان منطق است.

براین اساس، می توان گفت مردم ایران در تجربه اخیر، صراف هزینه ندادند، بلکه بخشی از ثمره این ایستادگی را نیز دریافت کردند. این دریافت، هم در سطح روانی و اجتماعی قابل مشاهده است و هم در سطح معادلات میدانی. وعده الهی، در این نگاه، امری دوردست و موقول به آینده نامعلوم نیست؛ واقعیتی است که در نسبت مستقیم با ایمان و استقامت، به تدریج خود را در زندگی جمعی نشان می دهد.

و شاید مهم ترین دستاورد این تجربه، همین باشد؛ عبور از باور صرف به مرحله مشاهده. جایی که وعده، از یک گزاره ذهنی به یک واقعیت ملموس تبدیل می شود و جامعه درمی یابد که مسیر انتخاب شده، پرهزینه است، اما پربازده نیز هست؛ به شرط آنکه «ثم استقاموا» همچنان سرلوحه بماند.

## شکست در برابر ایران رمق جمهوریخواهان را گرفته است ترامپ در گرداب نظرسنجی ها

حنیف غفاری

دونالد ترامپ روزها ولحظات بسیار دشواری را سپری می کند! شکست نظامی در برابر ایران در جنگ رمضان و مواجهه با پیچیدگی های میدان مذاکره با تهران، وی را تبدیل به سیاستمداری شکست خورده و سردرگم ساخته است. بسیاری از تحلیلگران و استراتژیستهای حوزه سیاست خارجی آمریکا بر این باورند که هر تصمیمی از سوی ترامپ در خصوص تصاعد بحران (ادامه نبرد) یا پذیرش توافق با ایران صورت گیرد، مصداق عینی تا کلامی وی و جمهوریخواهان در مواجهه ای تمام عیار با ایران است. انتقادات شدیدنخبگان آمریکایی از حماقت ترامپ در حمله به ایران، به افشارمختلف آمریکانیز تسری پیدا کرده است. نتایج نظرسنجی هایی که در سرتاسر آمریکا و از سوی موسسات معتبر صورت می گیرد، جایی برای تنفس جمهوریخواهان معادلات سیاست داخلی ایالات متحده باقی نگذاشته است. اشاره به برخی نکات در این خصوص ضروری به نظر می رسد:

■ **مخالفت ۷۰ درصدی مستقل ها با ترامپ**

یکی از تبعات شکست ترامپ در جنگ با ایران، افزایش قیمت بنزین و ایجاد چشم انداز منفی معیشتی برای شهروندان آمریکایی بوده است. همین مسئله سبب شده است تا رای دهندگان مستقل از ترامپ و جمهوریخواهان رویگردان شوند. در توضیح اهمیت این موضوع، همین بس که رای دهندگان مستقل در انتخابات ریاست جمهوری ماه نوامبر ۲۰۲۴ میلادی اصلی ترین نقش را در پیروزی جمهوریخواهان ایفا کردند. این رای دهندگان در همه ایالات کلیدی و سرنوشت سازماندهی پسنسلوانیا، میشیگان و ویسکانسین به دلیل تفرز عملکرد دموکراتها و دولت جو بایدن، آرای خود را در رسید جمهوریخواهان به گردش در آوردند و یکی از سخت ترین شکستهای انتخاباتی در طول دهه های اخیر را به دموکراتها تحمیل کردند. برآوردهای مستند نشان می دهد که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۴ حدود ۶۵ درصد از رای دهندگان مستقل (که به هیچ یک از حزب دموکرات یا جمهوریخواه تعلق نداشتند)، تصمیم به حمایت از ترامپ در برابر کامالا هریس گرفتند. در آن زمان، ترامپ به شهروندان آمریکایی وعده داده بود که از جنگهای بی پایان و پرهزینه در عرصه سیاست خارجی آمریکا اجتناب کند و هزینه های جنگ را صرف امور اقتصادی و معیشتی شهروندان این کشور کند! وعده ای که بسیاری از رای دهندگان مستقل را جذب خود ساخت. اکنون ترامپ از یک سو وارد یک جنگ پرهزینه و محکوم به شکست در برابر ایران شده و از سوی دیگر، قدرت مدیریت صحنه دیپلماسی و مذاکره را نیز از دست داده است. اکنون بر همگان مسجل است که جمهوریخواهان آمریکا در نبرد با ایران شکست سختی خورده اند و روایتگری های معکوس و دروغین ترامپ و دی ونس از صحنه نبرد با ایران نیز مورد پذیرش افکار عمومی آمریکا قرار نگرفته است. میانگین نظرسنجی های صورت گرفته در آمریکا طی هفته های اخیر نشان می دهد که حدود ۷۰ درصد از رای دهندگان مستقل با عملکرد ترامپ در جنگ با ایران مخالف بوده و معتقدند رئیس جمهور این کشور دچار حماقتی پرهزینه و بی فایده شده است. نگرانی جمهوریخواهان آمریکا از این نظرسنجی ها قابل درک است زیرا اگر آرای رای دهندگان مستقل در انتخابات میان دوره ای کنگره در نوامبر امسال و همچنین انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۸ میلادی به ضرر آنها به گردش در آید (که نشانه های آن به وضوح اکنون قابل مشاهده است) آنها نه تنها مجلس نمایندگان و مجلس سنا، بلکه کاخ سفید را نیز از دست خواهند داد.

■ **مخالفت ۲۰ درصدی جمهوریخواهان**

اتفاق دیگری که در جریان نبرد اخیر رخ داده، رویگردانی حدود یک پنجم جمهوریخواهان از ترامپ و سیاستهای وی در جنگ با ایران است. نباید فراموش کرد که در انتخابات ریاست جمهوری ماه نوامبر سال ۲۰۲۴ میلادی حدود ۹۸ درصد جمهوریخواهان به صورت یکپارچه به ترامپ رای دادند. این در حالی بود که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ (در قایت ترامپ و بایدن)، در دو ایالت آریزونا و جورجیا که به صورت ستنی جمهوریخواه بودند)، رویگردانی عده ای از آنها از ترامپ شکست وی (در برابر دموکراتها رقم زد. این روند در انتخابات سال ۲۰۲۴ تغییر کرد و مجدداً جمهوریخواهان در این ایالات حساس آرای خود را به سود ترامپ به گردش در آوردند. اکنون بار دیگر شاهد وقوع شکاف در اردوگاه جمهوریخواهان هستیم. مخالف ۲۰ درصدی جمهوریخواهان با سیاستهای ترامپ، می توانند به معنای گردش آرای بخشی از این جمعیت به سیدرای دموکراتها در انتخابات میان دوره ای کنگره و انتخابات ریاست جمهوری آتی باشد. در این صورت جمهوریخواهان برتری خود را در دو ایالت جمهوریخواه (جورجیا و آریزونا) مجدداً از دست خواهند داد.

■ **مانور دموکراتها بر شکست ترامپ**

در طرف مقابل، دموکراتها با تشدید انتقادات خود از شکست مسلم نظامی و سیاسی ترامپ در جنگ با ایران تلاش می کنند تا شکافهای موجود در حزب متبوع خود را ترمیم نموده و با استناد به چرخش آرای افراد مستقل وعده اندکی از جمهوریخواهان، معادلاتی که در سال ۲۰۲۴ و در انتخابات ریاست جمهوری و کنگره به ضرر آنها رقم خورد را برهم بریزند. بدون شک در اینجا دموکراتها خود برگ برنده ای برای افکار عمومی آمریکا ندارند اما تلاش خواهند کرد از نفرت عمومی شکل گرفته علیه ترامپ و رویگردانی رای دهندگان از وی و جمهوریخواهان، به سود خود استفاده کنند. نظرسنجی هانشان می دهد که در حزب دموکرات حدود ۹۴ درصد از جنگ با ایران حمایت نمی کنند و حدود ۶ درصد با آن موافق هستند. همان گونه که مشاهده می شود، شکافهای درون حزبی جمهوریخواهان (به واسطه جنگ ترامپ با ایران) نسبت به دموکراتها عمیق تر است. این مسئله می تواند موازنه قدرت سیاسی در داخل آمریکا را تا حدود زیادی دستخوش تغییرات عمده نماید. دموکراتها به دنبال آن هستند تا با کسب اکثریت نسبی در مجلس نمایندگان و سنا در انتخابات میان دوره ای ماه نوامبر، ترامپ را تبدیل به رئیس جمهوری ناتوان با قدرت مانور سیاسی اندک کنند. از این رو انتقادات پر حجم و گسترده دموکراتها علیه کاخ سفید به واسطه جنگ با ایران، حتی در صورت انعقاد پیمان آتش بس دائمی در جنگ اخیر نیز ادامه پیدا خواهد کرد. مخالفان ترامپ معتقدند که شکست آمریکا در جنگ با ایران می تواند به صورت بالقوه تبدیل به پاشنه آشیل جمهوریخواهان در انتخابات میان دوره ای کنگره شود و به همین سبب، قصد دارند فضای شکل گرفته علیه ترامپ را تا ماه نوامبر (آبان ماه امسال) حفظ کنند.

شنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۵ ۲۹ شوال ۱۴۴۷ ۱۸ آوریل ۲۰۲۴

سال چهل و یکم • شماره ۱۱۳۶۷ • روزنامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی صبح ایران  
www.resalat-news.com • @Resalatplus



آتش حزب الله و پافشاری ایران، دشمن صهیونی را از حفظ روند حملات خود علیه لبنان ناکام گذاشت

# صلح از طریق قدرت

بنت جبیل آینده ای از کل تقابل است؛ جایی که در آن، قدرت سخت و نرم، تاریخ و حال، جغرافیا و روایت، درهم تنیده می شوند

## بنت جبیل؛ شهری در آسمان

با آن ناشی می شود. این همان عاملی است که هر بار، تلاش برای تثبیت حضور اسرائیل راه به یک پروژه پرهزینه و ناپایدار تبدیل کرده است. اما اهمیت بنت جبیل را نمی توان صرفاً در چارچوب تقابل نظامی امروز فهمید. این شهر از دهه های پیش، در نقطه تلاقی تحولات منطقه ای قرار داشته است. از دهه ۱۹۳۰ و ارتباط با جنبش های فلسطینی، تا نقش آن در تحولات پس از ۱۹۴۸ و سپس در دوران مقاومت معاصر، بنت جبیل همواره بیش از یک شهر مرزی بوده است. این پیشینه، به آن عمقی تاریخی می دهد که هر درگیری امروز را به امتداد یک مسیر طولانی تبدیل می کند. از این منظر، آنچه امروز اسرائیل انجام می دهد، تلاشی برای گسستن این پیوستگی تاریخی است. محاصره بنت جبیل، در معنای عمیق تر، تلاشی برای قطع ارتباط میان گذشته و حال است؛ برای اینکه این شهر دیگر نتواند به عنوان یک نقطه مرجع در روایت مقاومت عمل کند.

الگوی عملیاتی که اسرائیل در هفته های اخیر دنبال می کند یعنی محاصره تدریجی به جای یورش مستقیم خود به تنهایی اعترافی ضمنی به این واقعیت است. تجربه سال ۲۰۰۶ هنوز در حافظه نظامی تل آویو زنده است؛ زمانی که ورود مستقیم به بنت جبیل به یک باتلاق تاکتیکی تبدیل شد و ارتش اسرائیل را با هزینه های پیش بینی نشده مواجه کرد. اکنون نیز همان الگو تکرار می شود: قطع خطوط ارتباطی، فشار از بیرون و تلاش برای تهی سازی شهر از ظرفیت مقاومت. اما مسئله اینجا است که بنت جبیل فقط یک فضا نیست که بتوان آن را تخلیه کرد؛ یک شبکه زنده از اراده انسانی و تجربه تاریخی است. در سوی مقابل، مقاومت نیز به خوبی درک کرده که دفاع از بنت جبیل، دفاع از یک خط تماس صرف نیست؛ دفاع از یک روایت است. در اینجا، هر کچه به یک خط دفاعی تبدیل می شود و هر ساختمان، بخشی از یک حافظه جمعی است که طی دهه ها شکل گرفته است. برتری مقاومت در چنین محیطی، صرفاً ناشی از تسلیحات یا استحکامات نیست؛ بلکه از شناخت عمیق میدان و پیوند ارگانیک

بنت جبیل شهری که اگرچه در ظاهر، در یک نوار مرزی محدود میان لبنان و فلسطین اشغالی قرار دارد، اما در واقع، در مرکز یک تقابل چندلایه میان روایت ها، اراده ها و معادلات قدرت ایستاده است. آنچه امروز در اطراف این شهر جریان دارد، صرفاً یک عملیات نظامی نیست، بلکه تلاشی برای باز نویسی معناست؛ معنایی که از سال ۲۰۰۰ به این سو، به شدت علیه اسرائیل تثبیت شده است.

اسرائیل به خوبی می داند که بنت جبیل را نمی توان صرفاً با تانک و آتش گرفت، مسئله، خود شهر نیست؛ مسئله آن جمله ای است که سید حسن نصرالله دبیر کل فقید حزب الله بعد از پیروزی در برابر اسرائیل در این شهر گفته و به بخشی از حافظه راهبردی منطقه تبدیل شد: «اسرائیل او هن من بیت العنکبوت». این عبارت یک چارچوب تحلیلی از ماهیت قدرت اسرائیل بود که در طول دو دهه، بارها در میدان آزموده شد. به همین دلیل، تمرکز موازاتش اسرائیل بر بنت جبیل، بیش از آنکه تلاشی برای کسب یک دستاورد میدانی باشد، تلاشی برای ترمیم یک شکست نمادین است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:

## در وضعیت سکوت نبرد، دست به ماشه ایم

آیت الله سید احمد خاتمی:

## انقلاب در جنگ رمضان بیمه شد

## زمان به ضرر آمریکاست

## هوش سیاسی اندک ونس!